



به فرایند دیگر حمل نمی‌کند. ابرپروژه‌هایی همان چیزی است که اشاره کردم.

در ارزیابی تان از دولت آقای پرتشکیان، به
 ساختار بوروکراتیک کشور اشاره کردید.
 که این ساختار الان آن قدر صلب شده
 که مانع انجام کار می شود. آیا این مسئله
 مانعی برای وفای هم هست؟

عبدی: بله، مسئله اماصل بودنش نیست، بلکه فساد است که در سیستم ایجاد شده، به دلیل اینکه آدم های ناکارآمدی آمده اند و نظارت های دوری از بین رفته و این اتفاق وحشتناکی است. شما می گوئید تحلیل مکانیکی نکنیم، اما باین سبب کار رییس هم رود! آن کار رییس را یک نفر کارجایی بگذارد نه باید از چندین جا استعلام بگیرند و افعا اگر مردمی دیگر رئیس جمهور بود و آقای پزشکشان هم یک جری عادی بود و قرار بود ایشان را برای یک ماه به عنوان مدیر کل انتخاب کنند، قطعاً در صلاحیت می شد و امکان نداشت مجوز بدهند، چون در ۱۴۰۱ یک جمله گفته است. این که نمی شود. به نظر آقای پزشکشان باید به حل این موارد کمک کند. اینها مانع حرکت هستند. می توان این نیست که در حد خبر و جلوب روی مردم خیلی به این موضوع کاری نزنند و قرار هم نیست داشته باشد، اما دیگران تر نیست کم هم به این مسائل کاری داشته باشم. من باید به این مسائل بپردازم و درباره آنها حرف بزنم و بدانم که حل کردن این مشکلات چقدر کار سختی است. به هر حال من به این نگاه می کنم که با مصوب کردن یک قانون می شود بحران ایجاد شود. معتمد امین پزشکشان ادبیات از زمینهای در حل مسئله دارد که خیلی مهم است. شما به ادبیات و

عبدی: من در این جلسه به سه سؤالی که شما پرسید جواب می‌دهم. درباره اینکه مردم ایران به چه فکر می‌کنند، اشاره کردم که مردم آن قدر مسائل زیادی دارند که به مرور کاری ندارند. امروز به‌ویژه امروزشان نگاه می‌کنند. امروز برق قطع می‌شود و این به دولت مربوط است. مثالی می‌زنم؛ یکی از مهم‌ترین چهره‌های سیاسی قرن بیستم، چرچیل است. در جنگ جهانی دوم مقاومت کرد و یکی از ۵۱ پرزاد آن کشور بود. چرچیل بود. مردم هم از او پرزاد در جنگ جهانی دوم مقاومت کردند. او را یادداشت و کنار گذاشتند. مردم حق داشتند. می‌گویند خدا

طباطبایی: دیربسی تان به موضوع مهمی اشاره کرد. درست دید. وقتی صحبت می‌کنیم، می‌گویند شما از کف جامعه خبر ندارید و باید پشت سر مردم باشید. بعضی از دوستان هم گاهی گرفتار این تله می‌شوند. اما موضوع این است که مگر ما جز مردم هستیم؟ مگر در این کشور زندگی نمی‌کنیم و مشکلات را نمی‌بینیم؟ یا آن کسانی که در حوزه سیاست کاری کنند باید کنار مردم باشند و اگر می‌گویند پشت سر مردم باشند، به این معنی نیست که دنبال کنند مردم باشند، بلکه به این معنی است که باید حواس باشند، باید به مردم باطنی جایی که لازم است به دولت هشدار دهند و با مدل‌های مختلف این کار را انجام دهند. زمانی که در دولت آقای رئیسی می‌خواستیم هشدار بدهیم و چون دسترسی نمی‌داشتیم، نامه می‌نوشتیم با تائیدی که کردم. در دولت کنونی فضا فراهم است که بتوانم موضوعات را حتی با صریح‌ترین بیان ممکن منعکس کنم. در جلساتی مختلفی که آقای رئیس‌جمهور خواست رو درآورد، این مسائل گفته می‌شود. اما همیشه باید به خودمان یادآوری کنیم از چه شرایطی به چه شرایطی رسیدیم و فضا چطور بوده است. اتفاقات مختلفی که در کشور اتفاق افتاده، گذشته برای دولت آقای پیرزیکان اسفند گذشته تا یک ناکر از در شرایط دیگر اتفاق افتاده بود چه می‌شد؟ تقریباً سه ماه قبل ماجرای کوری دانشکار و دانشمند، و این اتفاق با اتفاقات به آرامی گذر می‌کنیم، و اگر بخواهیم اتفاقی پیوسته بود، است. اما مسئله کوری دانشگاهی می‌توانست به یک بحران تبدیل شود. با جعلاتی که در هفته‌های گذشته در صداوسیما درباره‌ها هل سنت گفته شد، می‌توانست به یک بحران اجتماعی در مناطق سنی نشین تبدیل شود.

عبدی: حتی می توانست بحرانی انفجاری باشد.

طباطبایی: واقعا می توانست به بحران کشور تبدیل شود، اما من بینیم که خود مولوی عبدالحمید در نماز جمعه به یکی از عوامل آبروشمارشخوار تبدیل شد. من می بینم که این ها را نادیده بگیریم، اما حوزه اقتصاد حوزه های است که به این راحتی در دست درمان نامی شود. من معتقدم بخشی از مسئله با موضوعاتی فوق قابل حل است، زمان آقای روحانی می گذشت این قدر که به جرم می پردازید، «بیکار» را رها کرده اید. منظرم از «بیکار» برنامه هایی برای کارآمدی ایران است. مندم می گفتند اگر به جرم تصویب شود و کارها پیش برود مشکلی ندارم، اما من می گویم اتفاق کارآمدی مهم است و اینکه این کارآمدی در ضوابط آرایش تحقق پیدا خواهد کرد. دولت آقای دستشکبان در حوزه های مختلف باهمی درست کردن فراموشی و جمله معروف «دعوا نکنیم، کار

را پیش برده و باعث شده که اتالی که می
شوند با سرعت به بحران و فاجعه ملی
تبدیل شوند با سیاسی ترین مدل‌های
شوند، در حالی که با روش‌های امنیتی
مکن بود به بحران دامن زده شود. از این
مثال هاریزاد داریم موضوع معلم‌ها یا بدلی
گندم کاراکه می‌توانست به بحران تبدیل
شد. انتخاب استاندار با مفاهاتی که از میان
اهل سنت انتخاب شده‌اند مهم است. زمانی
این آرزوی مردم محلی و منطقه بوده که
کسانی از میان خود مسئولیت‌ها را
بر عهده بگیرند و این امروز برای افتاده
است. اما چنان‌که این مسائل عبور کرده
و به عنوان امر طبیعی تلقی‌شان کرده‌ام که
ایمان‌مندی بود در مفاهیمی از مجلس
ایران برای اینکه به نفعی در حمایت‌گاران
سنت به عنوان یک جنبه زمینه انتخاب شود،
چهار ماجراهای داشتیم. موضوع معیشت که
به حق موضوع جدی و دغدغه مردم است،
با تهاجم آرامش و نه به هر شیوه شرعی
حل‌شدنی است. سرمایه‌کاران، اقتصاد،
نیازمند آرامش است. جمله آقای عبیدی را
این‌طور تکمیل می‌کنم: ایشان آقای پزشکیان
را آقای خاتمی مقایسه کردند من معتقد
رو این بود که زنگاروان ملی از دو مکر اصلی
فرورفته‌اند راه‌راهی می‌کنند. دو مکر اصلی

فروتنانه به این معنی است که من همه چیز نمی دانم، همه کارها از من بر نمی آید و همه در کنار من بایستیم تا درست شود. نکته دیگر اینکه انتخابات ۱۴۰۳ کشور موضع دیگری را هم نشان داد که اصلاح پذیری در داخل جمهوری اسلامی با کمترین هزینه در کوتاه مدت و با بیشترین دستاوردها انجام شدنی است. اگر بر سر این موضوع توافق کنیم مردم هم چند نتیجه و دستاورد ملموس ببینند، شرایط ارتباط متفاوت می شود. همین موضوع حجاب در سال ۱۴۰۱، کشور را به بلوغ فرهنگی رساند که اگر برانیدن رویه های سیاسی، فکری به حالت نمی کردند، کم مانده بود که به نقطه عجیب و غریبی برسد. ضمن اینکه بخشی از آسیب ها مثل بی اعتمادی و نداشتن امید به مرور و به اتفاقاتی مثل سال ۹۸ و ۱۲۰۱ به وجود آمدند، اما در حال کاهش هستند. هیچ کدام این اتفاقات در این دولت به بحران تبدیل نشده و روند به آرامش است. حالا یک ناترازی وجود دارد که محصول مشترک همه دولت های قبلی است، نمی توانم بگویم محصول اصولگران ایست و اصلاح طلبان نقشی نداشته اند، یا آنها بگویند محصول دولت چهاردهم است، این مسئله محصول مشترک همه دولت ها است و حالا رسیده است به اینکه همه توافق داریم که این مسئله وجود دارد. اگر مسئله حجاب را با فعالیت حل کنیم، باری از روی شوش جامعه برداشته می شود. اگر جامعه و دولت بدون حاشیه باشند، دولت می تواند غبارها را کنار بزند و تازه شروع کند به حل مسئله اصلی که معیشت و اقتصاد است. در هر نظر من سعی ای انجام دهید، اولیت او تا پنجم، معیشت، مسکن، شغل، آب و کار و پیش بینی پذیری اقتصاد است.

همه می پرسند قیمت دلار چقدر خواهد شد. اگر به این خیال راحت برسیم که در طول چند سال آینده می دانیم این نرخ ثابت است، می توانید بر اساس این نرخ ثابت برای اقتصاد و تجارت و بازرگانی تصمیم بگیرید، که این یک دستاورد است. قرار نیست در یکی، دو سال به همه آنچه فکر می کنیم خوب است، برسیم؛ روند و معدل مهم است.

صحبت های آقای طباطبایی بیشتر ناظر بر بحث اقتصادی بود که اگر گشایش اقتصادی و گشایش های اجتماعی اتفاق بیفتد، می تواند فضای بهتری را ایجاد کند. به توجه به اینکه شما جامعه شناس هستید، می خواهم بپرسم جامعه یک زمانی خواسته ای دارد که به خواسته اش هم می رسد. مثال قرار است خیابانی به نامی نام گذاری یا اسفالت شود، اما در زمان و شرایط موجود خودشت اتفاق نمی افتد و بعد اتفاق هادر ضرورتی به اینجا می رسند که نام خیابان را عوض کنند. آیا بین ضرورت و خواسته مردم تفاوتی وجود دارد؟ انتقادی که به صحبت های آقای طباطبایی دارم، این است که چیزی که مردم زمانی می خواستند، الان اتفاق می افتد، اما این خواسته بر اساس ضرورتی است که دولت تشخیص داده و فکر می کند اگر این کار را نکنند، اشتباه فاحشی مرتکب شده و در برابر مردم می گسرد. نقش شما در وقایع که آقای طباطبایی مطرح کرد، چقدر مهم است؟

عبدی: ابتدا مثالی ساده می‌زنم. من روز گذشته به میوه فروشی رفتم و طبق این فاکتور که الان هم دارم، ۲۰۰ کیلوگرم سیب زمینی و ۱۵۸ کیلوگرم خربیده و مبلغ شصت و ۹ هزار و شصت تومان یعنی تقریباً صد هزار تومان در واقع دو تاسیب زمینی و چهار عدد خربیده، چون ما به اندازه نیاز هر روزمان خربیده می‌کنیم. وقتی به عنوان شهروند خربیده خریدی و مسئله‌اش این است که برای دو قلم کالا آن هم با تعداد این قدر پرداخت کردی، در است قبضه‌ی خطور باید حل شود؟ اصلاً چرا به آن می‌آید؟ یک بانک مرکزی مملکت‌داری هوای رفته است، نظام بانک است و شش‌شنبه که کارشناس بودند، اما حالا استقلال نداشتند و تورم بالای رفته است. الان هفت سال است که تورم بالای ۲۰ درصد است و باز هم تعدادی آدم از آن طرف و آن طرف آورده اند. در بانک مرکزی کارشناس می‌شناسم که نه قیمت این فاکتور.

این قیمت تابع سیاست است. وقتی فسیل ۳۰۷ میلیارد دلار در این ملکت رخ می دهد، مثل این است که در این روزنامه یک خبر در روز روشن همه وسایل را ببود و بگویم دزدی شده است. خوب اینها را که با چشم می توان دید. ۳۰۷ میلیارد دلار چیزی نیست که با چشم مردم دید. در این ملکت این اتفاقا به به راحتی افتاده است. مسئله اساسی در ایران، سیاست است. برجام موفقیت مهمی بود اما به پاشنه آشیل ملکت تبدیل شد. فکر نکنید چون آقای بوش شکیان گفته و حق من هم دربارش می گویم، البته اگر من بهاشد ایران ندار. اما سوال هاست که از همین کلمه استفاده کرده ام و گفته ام توافق داخل سیستم درست نشود و سیاست آقای در ایران رخ نخواهد داد، بنابراین من در مقام شهروند نهی هستم، من در این مقام کنشگر و کسی که می خواهد به جامعه نگاه کند می بینم که شما بدون حل مسئله سیاست در ایران هیچ راه حلی ندارید. شعار اول آقای بوشکیان رهشای تر این شعار است. اما مهم است من به نحو و عملش بخود داشته باشم. اگر در این شعار شکست بخورد یعنی تمام، باید بگذار و برو دنبال کارش. این شعار اول است و خوب به جلو آمده و حتی اصلاح طبعی را که مخالف این شعار هستند قبول ندارم. آنها می گویند من باشم، این نباشد، یعنی چه؟ همه باید باشند. اما این که همه

یابد باشند، نباید به معنای امتیاز دادن تلقی شود. از نظر شیخیان نمی تواند جلوی پرآهنه زده شدن شورای عالی فضای مجازی یا جاستی را بگیرد. حال که این و سبب آنها مطرح نیستند و شیعا باید با رهبری مسئله آنان را حل کنند. پرسش‌های پدید آمده در مورد حجاب دارد که معطمان آن را پیش می‌برد و مسئله حجاب را حل می‌کند که خیلی مهم است. باید ببینید وقتی که این مسئله حل شد چه اهمیتی در وضعیت ما دارد. من همین الان هم صریح صدمه می‌خورم. و خیلی به ملاقات کار صریح می‌کنم که کسی رئیس جمهور یا وزیر است و در مقام نظر حرف می‌زنم. در آخرین جلسه که با آقای شیخیان در مورد مسائل اجتماعی داشتیم خیلی صریح و روشن حرف زدم که خیلی خوب بر خورد کرد، در حالی که معطمان که رئیس جمهور دیگر تحمل شنیدن این حرف‌ها را ندارد. مگر ات بودی که آقای طباطبائی می‌گویند در خصلت ایشان است و خیلی هم خوب برخورد کرد و آخر هم پرسید چه کار باید کرد؟ حتی اگر قبول هم نداشته باشند، نمی‌توانند گویند تو چسرا این حرف را می‌زنی. ما نیاز به این نوع ادبیات داریم. حال که از روشنفکران، ادبیات برای پرسشگران را نمی‌پسندند، ممکن است حرف را طوطی دیگری بزنم؛ باید ببینید رویکرد چیست. اگر رویکرد حل مسئله خیلی ساده باشد، به تبع آن حل چیزهای دیگر هم می‌آید. اما به نظر من در این چارچوب انتقادهای جدی

سال ۱۴۳۰، اصلاً چنین چیزی و خود ساختی نداشته. بنابراین من معتقد بودم ادها که شکیان باید نیت هدف را انجام دهد که در مورد مربوط به روستا و مسکن بود دیگر هم متفاوت است. در مورد فضای مجازی که مردم بیشتر آن را در ارتباط هستند به نظر عملکرد موفق فیلتر نباشد. اصلاً فیلتر نیت و اثرش را برانداخته شده که نیازهای مردم آموخته و اصلاً فیلتر نیت به خصوص در مورد تلگرام و یوتیوب هم باید برانداخته شود. لیکن من این را به جای سیستم استراتژی که کنونی است که مردم را عارضی خواهد داشت و نیت که مردم را فیلتر شکن استفاده می کنند. درود دهسته. حجاب من توانیم بگویم برایشان عوارض ایجاد می شود. فیلتر نیت اصلاً عارضی ندارد. در مورد مسکن فیلتر نیت معتقدم که

دولت خیلی خوب برخورد کرده است. آقای پزشکian یک مقدار هم بنا بر خصلت اخلاقی و غریزی اش رفتار می کند. یعنی مسائلش را بر حسته و عمومی نمی کند، از خودش قهرمان سازی نمی کند و سعی می کند از این موارد فاصله بگیرد. در نتیجه در مورد توقف قانون

حجاب خیلی موفق عمل کرده است. مسلمانی
بعدی تلویزیون است که عملکرد دولت در این
باره کاملاً موفق بوده و شاید نتوانم بیش از این
باشد که تلویزیون در اختیار ما نیست، اما
واقعیت این است که ما نمی توانیم ماشین را
برایم و بگویم مسئولیت پیشش با دیگری
است. بنزین نزدیک به ماشین را نمی رود.
این مسئله ای است که آقای یزدی بیان
باید در چارچوب وفاق حل کند. با این ریش
به تحریش نمی روند. با این تلویزیون نمی
شود مسائل خلط را حل کرد و به لحاظ
افزایش خیلی خطرناک است. در مورد مسئله
سیاست خارجی عقیده من اینجا موفق بوده
و اهمیتش در این است که خودش خیلی
وسط نمی آید و پهر ما سازی نمی کند. کار
را به کل سیستم سپرده و می بیند که رهبری
نظام میدان دارد قیسمت و قیسمت. وزیر خارجه را
هم خوب عمل می کند و به هیچ وجه چهره
بازی نمی کنند که بخواند برای خودشان
بازی بسازند. کار که متأسفانه در دولت
روحانی هم باز کرده و وقت به خود آقای
روحانی انجام دادند و بارها گفته می شد اما
توجهی نداشتند. الان از این نظر خیلی خوب
جلو می رود. نمی خواهم بگویم از ما به نتیجه
می رسد، اما معتقدم از طرف این پیام
واضح و روشنی داده می شود. مسئله
پنجم مربوط به گزینش است که در دو سطح

کارمندان ادارات، آموزش و پرورش و همه چیز
در سطح مقامات سیاسی کافی نیست. البته
گاهی باید بروانشه تشدولی را قیاس کرد اگر
بخواهم در مجموع بگویم، دولت در این
اهداف بیش از متوسط موفق بوده و حالاهمه
اینها در ذیل موضوع و فایده اتفاق افتاده است
شهاب الدین طباطبائی: آقای عبدی اصل
مطلب را فرمودند و من یک نکته اضافه
می کنم. در شرایطی که ایشان مابین و جاده
و مسیر سنگلاخ را ترسیم کردند، به نظر می
رسد که حتی در جاهایی جلاز سنگلاخ بودن،
در مسیر هم اشتباه بوده است. انتخاب آقای
پزشکیان مسیر عقارتی را و احیاء دو این یکی
از اصلی ترین شعارهای آن دو پزشکین بود
که می گفت توهم دایایی و تخصص ندارم
و به دنبال عقارتیت هستیم. فکر می کنم تا
حلولو درزای این موضوع معقی تشد. دو
اتفاق دیگر هم افتاده است: یکی اینکه تالیجا
دوقطبی زدایی باهمان وفاق اتفاق افتاد دیگر
اینکه بخش عمده ای از نتایج در کمتر از
سال محقق نم شده، اما اگر روند کارها را در

نظر بگیریم می بینیم که به سمت قفل‌زایی است و این می تواند نتیجه را نشان دهد. نکته بعدی اینکه دولت با همه راه‌های زیادی که در وفاق اتفاق افتاد، شاهد امنیتی زیادی کردن از موضوعات سیاسی هم بودیم که آقای پزشک‌سکایان در این زمینه موفق عمل کرده‌است. کار این است که وقتی در شرایط سخت هم از تحویل می گیریم، بتوانیم خود مسائل کشور توافق سازی و اجماع ایجاد کنیم آن هم نه باوقفتی که در فضا باید یا بدست میانه‌ترین مدل و جمع کردن همه و نه از این مسائل ممل که در کار انجام شود. آقای کارگر بگویند ناترازی یا بحران آب داریم، کسی مدعی نمی شود و اوضاع خوب است. در این دولت، جلب توجه از کان حاکمیتی این می معنا در است. توجه اساسی کشور است اختلاف فاحش‌نشته باشد. اتفاق افتاده آن هم بدون خودنمایی. بعدی به درستی اشاره کرده اند که تا امروز قهرمانی از دل این اتفاق بیرون نیامده که بگویند فقط من می فهمم. از نظر من اصلی ترین موضوع همین مسئله وفاق است. دوستان، ما انتقادات زیادی به مسئله وفاق دارند. چون بود نقد نمی کنند. در مقطعی فکر می کنند که الان اگر من نباشم، اتفاقی رقم نمی خورد یا کار کردن نتایج نمی شود. من این را محصور می کنم و می گویم مسائل کشور، خود کارگران همه نیروهای سیاسی در کشور اتفاق می افتد. نه اینکه اگر من باشم کار خوب پیش می رود و اگر نباشم، شرایط باشد کار خوب می شود. آقای پزشک‌سکایان می رود در این با مدل خودشان نهاده می کند. ممکن است این مدل که تا به حال امتحان نشده در طی مسیر ما مشکلاتی خواهد شد. ما همه برای حل مشکلات باید کمک کنیم. می‌توانیم آقای پزشک‌سکایان را فرارسانی دنبال حل مسئله و مسائل را از فرارسانی

سرویس سیاسی - کمتر از یک سال از هز
دولت پزشکیان می گذرد و شاید این مدت
کو تاهی برای او آکای و آرزویی عملگر دیک
دولت باشد. اما مشراط کشور به گونه ای پیش
می رود که هیچ فرصتی برای جلوگیری
خطا نباید از دست داد. دیگر شیوه آزمون
خطر در دولت ها امکان پذیر نیست و کشور
در شرایطی به سر می برد که هر تصمیم شتاب
زده و غیر عقلانی می تواند متیر به بحران
جری شود. از این رو برای پیشگیری از
هر خطا و اشتباه جبران نا پذیر می باشد.
نظرات کار شناسان و مردم در عرصه عمومی
استفاده کرد. روزنامه شرق با عباس عبدی
شهاب الدین طباطبایی درباره عملکرد دولت
در این دوره کو تاه اما پر شتاب به گفت و گو
نخستین است.

در آستانه س که سالگی دولت آقای
پزشکیان، دیگر می توانیم یک کار ارزیابی
از عملکرد آن داشته باشیم. به نظر تان این
دولت در چند ماهی کار عمده ای می گذرد.
در چه زمینه های کار امده بوده و دانید
ناکامی در سایر زمینه ها راجه می دانید؟

عباس عبیدی: بسیاری از زیبایی یک عملکرد ابتدا باید بستن بینیم از چهره زیبایی به بر سر موضوع می پردازیم. مثال برای از زیبایی یک ماشین به بر سر بودی و خروجی می در باره این ماشین چیست و با چه قیمتی می خرند ایستد، نمی توانی انتظار پژو یا بنز بخری آن را داشته باشی. نکته بعدی این است که بینیم این ماشین در چه جاده ای قرار است حرکت کند. حتی اگر بهترین ماشین را بخری در جاده خاکی نرانی، نمی توانی در جاده سنگلاخ ۱۵۰ کیلومتر سرعت پیش بروی. ضمناً انتظار از آن ماشین هم مهم است. ممکن است شما با ماشین داخل شهر تردد کنید و ممکن است بخواهید در مسافت دور حرکت کنید. اینجا تفاوت می دهند. حالا پاسخ به پرسش شما می گویم سود انتخاب آقای پزشکشان در همان روز شانزدهم تیر حاصل شد. اما یک موضوع را که برای مثال در بورس مهم و نمایی است نباید فراموش کرد. قیمتی بعضی شرکت ها در بورس آنقدری بالا می رود یا با هر میزان سود یا زیان گذاری ۱۰ برابر سود می برد، اما پس از آن با قیمت های بعدی است که سود و زیان حساب می کنند. یعنی حتی اگر سرمایه تان ۱۰ برابر می شود، باید انتظار دارید دیگر پایین نیاید و مثلاً ۹ برابر نشود.

همان روز شانزدهم تیر هم گفتیم سئو‌دانان را بپریدم و می‌پوید که چرا سیاست در ایران عوض شده و به یک مسیر عادی باز گشت و این بزرگ تیر پیروزی بود. ضمن اینکه اساساً هزینه‌ای هم برای این کار نبردیم. ۲۶ روز فعالیت انتخاباتی، بیست خرداد تا پانزدهم تیر بود. در مدت جلدی لیست سیاسی چیز دیگری نبود، نه تعویلی کردیم و نه فحشی دادیم. فعالیت سیاسی ملنی داشتم. با چنین سطحی از کار دستاوردهای قابل‌توجهی حاصل شد. ۱۶ تیر اتفاقی افتاد که آن‌ها تیر دیگر تمام شد. درست مثل همان مثال بورس که مایکروسافت در بورس که می‌آورد، قیمتش دو، سه برابر می‌شود اما وقتی می‌خواهد سهامش بخرید، انتظار افزایش قیمت را دارد و قیمت کم می‌شود هر چه زیاد. باید ببینیم در انتخابات چه اتفاقی افتاد. گروهی شرکت نکردند و مسئله‌شان کل ساختار حکومت بود. حدود ۶۰ درصد در اول شرکت نکردند. شکافی که با ساختار حکومت داشتند، مثل همان جاده‌ای است که اگر بزنم در این جاده بیندازیم، جواب نمی‌دهد چون این جاده‌سیاست‌ستگلاخ است. د. در دوم تا ۵۰ درصد حضور پیدا کردند. می‌خواهم بگویم در اینجا به بعد هر سودی داشته باشیم، باصفه از سود اصلی است که در همان روز حاصل شد. اما حالا ببینیم ارزیابی چیست. ارزیابی من از آقای پزشک‌شان به طور کلی مثبت است. حتی معتقدم با توجه به شرایط بسیار مهم است. در روز تحلیشتان یک نفر را ترور کرده‌اند و قبش جنگجوی درگرفته و دیگری بوده و دولت هم پس از آن ۱۴۰۱ شکل گرفت. این بحرانی عمیق‌تر از آن چیزی است که می‌بینیم. شکافی که بین مردم و حکومت افتاده خیلی است و به این راحتی ها قابل ترمیم نیست. به اینها باید وضعیت اقتصادی را هم اضافه کرد. وضعیتی که کسی به آن توجه نمی‌کند یعنی نظام‌داری که در آن سه سال در بر و داغان شد. در بحث شفافیت و دسترسی اطلاعات هر چه پوز دارند. اما اثبات احوال قدیم منتشر می‌شده، اما الان فقط شنیدن می‌دهند. آن زمان ما هر هفته را روز جزایات عده اطلاعات را منتشر می‌کرد. الان که قرار باشد پژوهشی در دولت انجام شود می‌گویند پژوهشگران هم باید گزارش بدهند. این خیلی عجیب و غریب است. سیستم داری و امنیتی کشور را شخم زده‌اند و کسی که بیرون است متوجه این ماجرا می‌نست. آدم‌های بسیار سطح پایین آوردند و به زن‌های حکومت را بالا بردند. وضعیت ۷۶ سال متفاوت است که آقای خاتمی چند روز و فضای عمومی می‌توانست یک توده آماده را بگیرد و بهبود ببخشند. ولی در

شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۱۹ ذی القعدة ۱۴۴۶، ۱۷ می ۲۰۲۵، شماره ۴۷۱۲، صفحه

منبع : روزنامه شرق